



سینماهای تهران

TEHRAN CINEMAS

نگاهی به تاریخچه سینماهای تهران

از قاجار تا امروز

۱۴۰۰ - ۱۲۷۹

www.ketab.ir

به کوشش

داود قهردار



سینماهای تهران

مؤلف: داود قهردار
 مقدمه: احمد مسجد جامعی
 مدیر هنری و اجرا: مهدی برازنده
 مشاوره و ویراستاری: حسن حیدری، فرزاد گمار
 تیراژ: ۷۰۰ جلد
 چاپ: خانه فرهنگ و هنر گویا
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۴-۷۹-۴
 ناشر: خانه فرهنگ و هنر گویا
 نشانی: خیابان کریمخان زند، رویروی ایرانشهر، پلاک ۹۱
 تلفن: ۸۸۲۸۸۸۴ - ۸۸۳۱۳۴۳۱

www.ketab.ir

خانه فرهنگ و هنر گویا

سرشناسه: قهردار، داود، ۱۳۵۷
 عنوان و نام پدیدآور: سینماهای تهران ۱۴۰۰-۱۲۸۲ = Tehran cinemas
 تألیف داود قهردار؛ ویراستاری حسن حیدری
 مشخصات نشر: تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا، ۱۴۰۰
 مشخصات ظاهری: ۴۸۵ ص: مصور (بخشی رنگی)
 عکس (بخشی رنگی)، نمونه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۴-۷۹-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: سینما - ایران - تهران
 موضوع: Motion pictures - Iran - Tehran
 رده بندی کنگره: PN۱۹۹۳/۵
 رده بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۹۵۵۱۲۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۱۰۸۷۱
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

- ۷۳ / ایران
۷۷ / دیانا (سپیده)
۸۱ / داریوش (ری)
۸۳ / اخبار
۸۴ / خرم
۸۴ / آپولو
۸۵ / خیام
۸۷ / برلیان
۹۱ / بهار
۹۴ / پارک
۹۷ / فری
۹۹ / کریستال
۱۰۳ / رکس (لاله)
۱۰۷ / مترو (سحر)
۱۱۰ / متروپل (رودکی)
۱۱۵ / زیبا
۱۱۵ / شهناز
۱۱۷ / تاج (شهر هنر)
۱۱۹ / المپیا
۱۲۱ / شهاب
۱۲۲ / اورانوس (کشور - شهره)
۱۲۵ / خرم
۱۲۷ / تابان
۱۲۸ / فردوسی (ریتس)
۱۳۱ / شیرین
۱۳۳ / مراد
۱۳۵ / زاله (میلاد)
۱۳۷ / رویال (فردوسی)
۱۴۰ / سیلوانا (ملت - پردیس سینمایی شکوفه)
۱۴۳ / ونوس (سارا)
۱۴۷ / ستاره (نور)
۱۴۹ / شهرزاد
۱۵۱ / آریا (فوکس - شهر نمایش)
۱۵۳ / پلازا
۱۵۷ / مولن روژ (سروش)
۱۶۳ / پردیس
۱۶۵ / دنیا
۱۶۷ / سعدی
۱۷۰ / گلدیس (آپادانا - گلریز)
۱۷۳ / تخت جمشید (عصر جدید)
۱۷۷ / کارون
۱۷۹ / مشعل
۱۸۰ / حافظ
۱۸۳ / نیاگارا (جمهوری)
۱۸۷ / ایفل
۱۸۹ / رادیوسیتی
۱۹۳ / اسکار
۱۹۵ / آسیا
- ۱۱ / مصاحبه ها
۱۳ / پیشگفتار
۱۷ / مقدمه مؤلف
- قاجار**
۲۰ / آغاز
۲۱ / سالن پشت مغازه صحاف باشی
۲۲ / سالن چراغ گاز صحاف باشی
۲۳ / سالن عکاسخانه روسی خان
۲۴ / سالن چراغ گاز آقاییوف
۲۴ / سالن ناصری آقاییوف
۲۴ / سالن دارالفنون روسی خان
۲۵ / سینما فاروس روسی خان
۲۶ / سالن دروازه قزوین روسی خان
۲۷ / سینما تجدد (مدرن سینما) آرتاشس پاتماگریان
۲۹ / گراند سینما
۳۱ / سینما خورشید آرتاشس پاتماگریان
۳۱ / سالن هوای آزاد آرتاشس پاتماگریان
- پهلوی**
۳۴ / سعادت
۳۶ / البرز
۳۷ / صنعتی
۳۹ / پری
۴۰ / زرتشتیان (ویژه بانوان)
۴۰ / ملی
۴۰ / تهران
۴۰ / زهره (سپه - نو - میترا)
۴۲ / مایاک
۴۲ / پرسپولیس
۴۳ / تمدن
۴۷ / داریوش
۴۷ / ری (سینمای تابستانی)
۴۸ / بهارستان
۴۸ / تجریش
۴۸ / گلوبندک
۴۸ / تهران (پالاس - قصر)
۵۱ / مدائن
۵۱ / لونا پارک
۵۱ / آریان
۵۱ / تخت جمشید
۵۲ / نادر (ملی)
۵۶ / پارس
۵۷ / همای
۵۹ / خورشید (خورشید نو)
۶۱ / جهان
۶۳ / میهن
۶۵ / فلور (گل)
۶۸ / سهیلا (مایاک - ارم)
۷۱ / دروازه طلایی (دماوند - رامسر)

۳۱۳ / پولیدور (قدس)
 ۳۱۷ / ری (شباهنگ)
 ۳۱۸ / لیدو (جام جم)
 ۳۲۱ / دریا
 ۳۲۲ / اروپا
 ۳۲۵ / شهرام
 ۳۲۶ / شهر فرنگ (آزادی)
 ۳۳۱ / ساینا (سایه)
 ۳۳۲ / شهوند (پیوند)
 ۳۳۵ / درایوین سینمای ونک
 ۳۳۷ / قصر طلایی (کوچ)
 ۳۳۹ / چرخ فلک (۲۳ بهمن)
 ۳۴۱ / مارلیک
 ۳۴۳ / رنگین کمان
 ۳۴۵ / سیلورسیتی (فرهنگ)
 ۳۴۷ / توسکا
 ۳۵۱ / آسمان آبی
 ۳۵۳ / موناکو (شاهد)
 ۳۵۵ / شهر قصه
 ۳۵۷ / شهر تماشا
 ۳۶۰ / المپیک
 ۳۶۱ / ناهید
 ۳۶۳ / سینما و تئاتر کوچک تهران
 ۳۶۸ / سینماتک موزه هنرهای معاصر
 ۳۶۸ / فرهنگسرای نیاوران
 ۳۶۹ / مرمر

■ جمهوری اسلامی

۳۷۲ / تراس چارلی چاپلین
 ۳۷۴ / فرهنگسرای اندیشه
 ۳۷۵ / فرهنگسرای خاوران
 ۳۷۵ / خانه فرهنگ فدک
 ۳۷۶ / بهاران
 ۳۷۷ / مجتمع فرهنگی و هنری نور
 ۳۷۷ / فرهنگسرای گلستان (خانواده)
 ۳۷۸ / فرهنگسرای ابن سینا
 ۳۷۸ / مجتمع فرهنگی و هنری فجر
 ۳۷۹ / فرهنگسرای فردوس
 ۳۸۰ / پایتخت
 ۳۸۲ / ققنوس
 ۳۸۳ / موزه سینما
 ۳۸۵ / پردیس سینمایی اریکه ایرانیان
 ۳۸۷ / پردیس سینمایی تماشا
 ۳۸۸ / پردیس سینمایی رازی
 ۳۸۹ / پردیس سینما گالری ملت
 ۳۹۱ / پردیس سینمایی زندگی
 ۳۹۳ / امام علی (ع)
 ۳۹۳ / ایوان شمس (تالار حرکت)
 ۳۹۴ / اشراق
 ۳۹۵ / فرهنگسرای هنگام
 ۳۹۵ / پامچال
 ۳۹۶ / پردیس سینمایی راگا
 ۳۹۷ / پردیس سینمایی کیان

فرح (فرخ) / ۱۹۹
 ماژستیک (سعدی) / ۲۰۱
 امپایر (استقلال) / ۲۰۳
 استیل (پارس) / ۲۰۷
 مسعود / ۲۰۹
 درایوین سینمای تهرانپارس / ۲۱۰
 ستاره آبی / ۲۱۱
 کوروش (آرش) / ۲۱۲
 میامی (تهران) / ۲۱۵
 آزیتا (نیوز - جهان) / ۲۱۹
 باغ گلستان / ۲۲۰
 کانون / ۲۲۱
 مهتاب (شهرقشنگ) / ۲۲۲
 پرسپولیس / ۲۲۷
 ادنون (شهریار) / ۲۲۹
 اطلس / ۲۳۱
 مونت کارلو / ۲۳۳
 رز / ۲۳۴
 شاهین / ۲۳۵
 شها (فردوسی) / ۲۳۶
 فیروزه / ۲۳۷
 آستارا / ۲۳۸
 سانتترال (مرکزی) / ۲۴۱
 ب.ب (پیام - پیام انگلیش) / ۲۴۵
 ماندانا / ۲۴۷
 جوان / ۲۴۸
 مرجان / ۲۵۱
 آتلانتیک (آفریقا) / ۲۵۳
 کسری / ۲۵۷
 اونیورسال (پارس) / ۲۵۹
 امپریال / ۲۶۳
 جی / ۲۶۴
 شاهرخ / ۲۶۷
 فرحناز / ۲۶۹
 کیهان / ۲۷۱
 کاپری (بهمن) / ۲۷۲
 آپادانا / ۲۷۷
 بولوار (بلوار) / ۲۷۹
 شرق / ۲۸۱
 دیاموند / ۲۸۲
 سینمای فروشگاه فردوسی / ۲۸۵
 ناتالی / ۲۸۶
 پارامونت / ۲۸۷
 الوند / ۲۹۱
 پاسیفیک (ایران) / ۲۹۳
 نپتون / ۲۹۷
 ۲۵ شهریور / ۲۹۹
 ریولی (صحرا) / ۳۰۰
 گلدن سیتی (فلسطین) / ۳۰۳
 پاسارگاد / ۳۰۵
 پانوراما (پیروزی - پردیس سینمایی پیروزی) / ۳۰۷
 تیسفون / ۳۰۹
 سینه‌موند (قیام) / ۳۱۱

در باب شکل‌گیری سینما به عنوان یکی از نمادهای تجدد در ایران گزارش‌های چندی در خاطرات اهل ادب و هنر آمده است. از جمله سید محمدعلی جمال‌زاده، نخستین سینما در ایران را چنین روایت می‌کند که روزی در خیابان چراغ برق (امیرکبیر امروز) قدم می‌زد، در آنجا یکی از بستگانش را می‌بیند که او را دعوت به دیدن فیلمی با بهای دو ریال می‌کند. فروشنده بلیت، لهجه اصفهانی و لباس روحانیت بر تن داشته و جمال‌زاده را با اسم «ممل» می‌شناخته است. جمال‌زاده او را روضه خوان و آدمی خوب، با لقب «سیف‌الذاکرین» معرفی کرده است. گنجایش محل نمایش ۱۵ - ۱۰ نفر بود و پایان فیلم را فروشنده اعلام می‌کرد.

سینما در ایران و تهران در آغاز اشرافی بود و پادشاه آن را در دربار و نزد بزرگان و اعیان رواج داد. اولین کسی که برای عمومی شدن سینما گام برداشت میرزا ابراهیم خان صحاف باشی معلم زبان دارالفنون بود که سبک و سیاق زندگی غربی او زبانزد دوران خود بود و جز سفرنامه، آثاری از ترجمه و تألیف هم از او باقی است. او در اوایل دهه ۱۲۸۰ در لاله‌زار سه راه مهنا روبروی سینما کریستال، مغازه آنتیک فروشی داشت که حیاط پشت آن را تبدیل به نخستین سالن نمایش فیلم کرد. مشتریان او در این دوره از اعیان و اشراف از جمله میرزا علی اصغر خان اتابک امین‌السلطان و احمد خان علاءالدوله حاکم تهران بودند. صحاف باشی در آذر سال ۱۲۸۳ (رمضان ۱۳۲۲ ق) نخستین سالن عمومی سینما در ایران را هم در خیابان چراغ گاز یا همان چراغ برق راه انداخت، همان جایی که جمال‌زاده به توصیف آن می‌پردازد.

دو سال پس از صحاف باشی سرانجام فنودورویچ ایوانف یا روسی خان که لقب خود را از محمدعلی شاه گرفته بود و با او از ایران خارج شد، توانست سینما را در ایران رواج دهد. او در سال ۱۲۸۶ پشت عکاسخانه خود در خیابان فردوسی (روبروی خانه علاءالدوله) سالن نمایشی تأسیس کرد. در این بین چهره دیگری به نام آقاویف (آقایوف) سالنی را در خیابان چراغ گاز افتتاح و با روسی خان رقابت کرد. از برپایی سالن های روسی خان و آقاویف به خوبی استقبال شد؛ روسی خان که از سینمای عکاسخانه‌اش استقبال شده بود، تصمیم گرفت تعداد سالن‌ش را افزایش دهد. او در سال ۱۲۸۷ تالار دارالفنون را که در پشت مقابل سینمای دوم آقاویف در خیابان ناصری قرار داشت در اختیار گرفت و با ۱۵۰ تا ۲۰۰ نیمکت، راه اندازی کرد. روسی خان پس از تأسیس سالن عکاسخانه و سالن دارالفنون، در تابستان ۱۲۸۷ به روسیه رفت و در شهر روستوف، با خرید یک صندوق پر از فیلم به ایران بازگشت. در این زمان چنان سینما فراگیر شده بود که او باز هم در اندیشه ایجاد سالن جدیدی برآمد و طبقه فوقانی مطبوعه فاروس را در ابتدای خیابان لاله‌زار اجاره کرد و آن را با یاری حیدر عمواوغلی (حیدر بمبی) به سینما تبدیل کرد. حیدر عمواوغلی از عوامل اصلی انداختن بمب جلوی خودروی محمدعلی شاه بود که آن واقعه به استبداد صغیر منجر شد. این سالن که بعد به نام فاروس معروف شد، دستگاه مولد برق و بادبز و همچنین رستوران و بوفه‌ی مرتبی داشت.

از دیگر چهره‌های موثر در دایر کردن سینما، آرتاشس پاتماگریان بود که میان مردم به اردشیرخان شهرت داشت. او در سال ۱۲۹۰ نخستین سینمای خود به نام تجدد را در خیابان علاءالدوله (فردوسی) تأسیس کرد. بنا به دلایلی نامعلوم، شاید به خاطر عدم استقبال، این سالن یک سال بعد تعطیل شد. اردشیر خان بعد از این تعطیلی، سالن تازه‌ای در همان سال در سالن گراند هتل در خیابان لاله‌زار که مرکز آمد و شد متجددان بود افتتاح کرد. می‌توان حدس زد که تعطیلی سینما تجدد و استقبال از سینمای گراند هتل در همان سال نتیجه انتخاب مکان مناسب برای علاقمندان به سینماست. با این حساب، رقابتی که بین روسی خان و آقاویف در خیابان ناصری جریان داشت، در سال ۱۲۹۲ بین آرتاشس پاتماگریان و ژرژ اسماعیلیف (میرزا قفقازی) تکرار شد. بدین گونه مقدمات شکل‌گیری ساخت سالن های سینما در دوره قاجار فراهم آمد، اما اوج حمایت از ساخت سالن های سینما به دوره پهلوی بر می‌گردد.

پرداختن به سینما و سینماسازی با سیاست تجددخواهانه پهلوی، هماهنگی داشت. آنچه در دوره پهلوی اول به سرمایه‌گذاری دولت برای رونق سینما افزود کشف حجاب بود. سینما می‌توانست باری رسان این سیاست باشد. در سال ۱۳۰۷ برای نخستین بار سالن سینمای ویژه بانوان به نام صنعتی در لاله‌زار و به دست خان‌بابا معتضدی که خود تباری قاجاری داشت تأسیس شد از این سینما استقبال خوبی شد اما بعد از آتش سوزی سینما و ترس بانوان باعث شد تا حضور بانوان در سینما کم گردد. اما خان بابا معتضدی با ساخت سینما پری در کوچه نوشین و قرار دادن زنان و مردان در دو سوی سالن اما جدا از هم، باعث گردید تا بانوان اطمینان خاطر داشته باشند که در هنگام آتش سوزی مردان به کمک آنها خواهند آمد و برای اولین بار سینمای مختلط بوجود آمد. پس از آن ساخت سینما به شکل صنعت درآمد و با توجه به جمعیت آن روز تهران سینماهای زیادی در نقاط مختلف پایتخت ساخته شد از جمله گراند سینما (در لاله‌زار)، سینما ایران (در محل فعلی سینما البرز در لاله‌زار)، سینما پالاس یا تهران (در خیابان جمهوری محل سابق پاساژ کویتی‌ها) سینما سپه یا زهره (در خیابان امام خمینی)، سینما مایاک (در لاله‌زار کوچه اتحادیه)، سینمای تابستانی ری (در محل سابق ساختمان پلاسکو)، سینما تمدن (در چهار راه مولوی) سینما داریوش (در میدان شاپور)، سینما آریان (در پل امیربهادر)، سینما همای (در جنوب چهار راه اسلامبول)، سینما نادر (در کوچه ملی لاله‌زار)، سینما فلور (در امیریه) سینما مایاک یا سهیلا (در تقاطع لاله‌زار و جمهوری)، سینما دماوند (در خیابان ری)، سینما ایران (در لاله‌زار جلوی سینما البرز).

از نکات جالب توجه در اوایل دوره پهلوی اول این است که به دلیل آنکه فیلم‌های به نمایش درآمده به زبان اصلی بودند و تماشاچیان آن را متوجه نمی‌شدند و یا سواد خواندن میان نویس ها نداشتند، برخی بینندگان به افراد پول می‌دادند تا فیلم را برایشان ترجمه کند و به آنها بگوید و هر کس روایت خود را از فیلم برای دیگری میگفت، همین امر باعث شد سر و صدای زیادی در سالن‌ها به راه افتاد، لذا برای جلوگیری از این همه‌همه، کسانی پیدا شدند که جلو پرده سینما می‌ایستادند و فیلم را برای تماشاچیان به صورت همزمان ترجمه یا بهتر بگویم تعریف می‌کردند. از جمله این افراد، در سینما تمدن آقای حمزه‌ای و در سینما ایران آقای اسحاق زنجانی و در سینمای بانوان صنعتی هم خانم انیس الملوک امیرخانی این ترجمه‌ها را برعهده داشتند.

ترجمه و تعریف فیلم تا دوره تحصیلات ابتدایی ما هم به نوعی ادامه داشت. وقتی در نمازخانه مدرسه علوی فیلمی برایمان نمایش می‌دادند جز آنکه یکی دو مورد از صحنه‌های فیلم را با قرار دادن تکه کاغذی در برابر عدسی آپارات سانسور می‌کردند. وقتی یک حلقه فیلم تمام می‌شد تا نصب حلقه دیگر سر و صدای ما بلند می‌شد. به هر حال داستان فیلم را هم یکی از معلمان که روحانی سیدی هم بود و نفس گرمی داشت با همان لحن شیوای خودش برایمان تعریف می‌کرد و البته در کنار او معلم زبان انگلیسی آقای قاسمی هم نشسته بود. آن روحانی سید، آقای سید علی اکبر موسوی حسینی بود که بعدها در برنامه «اخلاق در خانواده» تلویزیون مشهور شد.

در سال‌های جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط قوای متفقین، سینماها نیز به دست قوای روسیه و انگلستان افتاد. این را نخستین بار از آقای عزت‌الله انتظامی درباره نقش سینما در تحولات جنگ و اطلاع‌رسانی از وضعیت جنگ‌ها در زمانی که حتی رادیو چندان در دسترس نبود شنیدیم. این دوره سینماهای تهران شکل رسانه تصویری به خود گرفت به ترتیبی که سینماها اخبار مربوط به جنگ را پخش می‌کردند. در خیابان لاله‌زار، انتهای پاساژ رزاق‌منش سینما اخبار بود که با نگاه و رویکرد سیاست انگلیس اخبار را پخش می‌کرد و سینما ستاره (برلیان) هم در دست قوای بلشویک روسیه بود. از عجایب روزگار آنکه در این سینما حتی عکس بزرگی از استالین نصب شده بود که هنوز جای قاب آن عکس بر بالای ورودی سینما باقی‌ست. از نیمه دهه بیست به این سو با کاسته شدن از حضور نیروهای بیگانه در ایران، بازرسان وزارت داخله این عکس‌ها را از سینماها پایین آوردند و به جای آنها عکس شاه را نصب کردند. همچنین از دهه ۱۳۳۰ به بعد، پیش از نمایش فیلم در سینماها سرود شاهنشاهی نواخته می‌شد و تماشاچیان می‌ایستادند. م. فرزانه در کتاب آشنایی با صادق هدایت به ماجرای در همین زمینه اشاره کرده و حتی درباره اینکه پای آژان هم به سینما باز شده سخن گفته است. در سینماها برای حفظ نظم یک آژان لازم بود. در سریال هزارستان ساخته زنده‌یاد علی حاتمی صحنه‌ای از زد و خورد شعبان استخوانی با بازی مرحوم محمدعلی کشاورز و دار و دسته او در سینما به تصویر درآمده است. به هر روی در آن سالها هر سالن سینما آژان ویژه‌ای داشت که در برقراری انضباط به مدیران سینما کمک می‌کرد. ساخت و راه‌اندازی سینماهای دینا (سپیده فعلی در خیابان انقلاب)، خیام (در خیابان کارگر)، پارک (در کنار مسجد هدایت در جمهوری)، فری (در چهار راه لشکر)، و یا سینماهای لاله زار مانند کریستال، رکس (لاله)، متروپل (رودکی) از جمله اقدامات سینمایی این دوره است.

ملی شدن صنعت نفت رفته رفته موجب افزایش چشمگیر سهم ایران از فروش نفت شد و سینماسازی در تهران اوج گرفت. بعد از سقوط دولت ملی مصدق، به دلیل بسته شدن فضای سیاسی، تئاترها به سالن سینما تغییر کاربری دادند. در آن زمان تئاترها اغلب در دست فعالان سیاسی چپ و حزب توده بود که به دست هواداران کودتا به آتش کشیده شد. سینما تئاتر سعدی، تئاتر گیتی و تئاتر گل سرخ و... از این دست سالن‌ها هستند که ابتدا سالن تئاتر بودند. از جمله سینماهایی که در دهه ۱۳۳۰ تأسیس شدند عبارتند از سینماهای واقع در خیابان انقلاب، تاج (شهر هنر)، رویال (فردوسی)، پلازا، میامی (تهران) و سینماهای خیابان ولیعصر رادیوسی، آسیا، امپایر (آتلانتیک) و سینماهای خیابان جمهوری دنیا، حافظ، نیاگارا (جمهوری)، ماژستیک، سعدی، مولن روژ (در خیابان شریعتی)، کارون (در خیابان کارون)، سیلوانا (در میدان شهدا)، بسیاری از این سینماها با سهمی برای مقامات حکومتی راه ساخت و بهره برداری را پشت سر می‌گذاشتند.

فضای پس از انقلاب سفید در تهران سینماسازی را تحت تأثیر قرار داد. از نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ طبقه جدیدی از قشر متوسط و حقوق بگیران در بدنه دیوان سالاری رو به گسترش ایجاد شد که از مخاطبان اصلی هنر هفتم بودند و همزمان با انجام اصلاحات ارضی مهاجرت به پایتخت تسریع شد، بیشتر این مهاجران کارگران روزمزد یا صنعتی پیرامون تهران بودند که در محلات جدید و اطراف شهر ساکن شدند. به همین دلیل ساخت سینماهای مدرن و یا محلی برای طبقه و ساکنان جدید شهر در این دهه رشد فزاینده‌ای یافت. سالن‌هایی که حتی برخی از آنها بیرون و در حاشیه تهران آن روز قرار داشتند. سینماهای باغ گلستان (محله بریانک)، مونت کارلو (محله نارمک)، رز (محله وحیدیه)، شرق و شهلا (نازی آباد)، فیروزه (محله حشمتیه)، آستارا (تجربیش)، ماندانا (محله تهران نو)، مارلیک و امپریال (محله کارون شمالی)، چرخ فلک و جی (محله جی)، فرحناز (محله صد دستگاه) کیهان (محله عباسی)، آپادانا (محله نظام آباد)، ناتالی (محله مخصوص)، سایه و الوند (محله تیردوقلو)، پیوند (محله خاوران)، پاسارگاد و پانوراما (محله نیروی هوایی) تیسفون و جام جم (محله امامزاده معصوم)، دریا (چهارصد دستگاه)، شهرام (مجیدیه) و سیلورسیتی (محله قلهک) از جمله سینماهایی هستند که در این دوره ساخته می‌شوند.

در اواخر این دهه به خاطر فروش فراوان فیلم‌های خارجی در ایران، کمپانی‌های پخش کننده آمریکایی، فیلم‌های روز دنیا را همزمان در ایران نیز نمایش می‌دادند. در دهه ۱۳۴۰ با شکل‌گیری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سینماهایی با این رویکرد به این سنین راه افتاد و نیز با عرضه فیلم‌های خانوادگی، سینماهای ویژه آنها جایگاهی برای خود یافت. نشانه این گروه از سینماها نقش خورشید بر دیواره بیرونی آنها بود که در سینما ماژستیک (سعدی) هنوز خورشید آن بر روی نمای سینما باقی مانده است، همچنین سینما سینه موند در خیابان طالقانی و سینمای فروشگاه فردوسی در خیابان فردوسی نیز از جمله این سینماهای ویژه کودکان بودند. فروشگاه فردوسی محلی برای خرید خانواده‌ها بود که فرزندان خود را برای سرگرمی به سینمایش می‌سپردند تا خانواده‌ها با خاطری آسوده به خرید خود بپردازند.

دهه ۱۳۵۰ خورشیدی با تغییراتی در سبک زندگی پایتخت‌نشینان همراه بود. تلویزیون رفته رفته به خانه‌ها وارد می‌شد و از سوی دیگر کیفیت نازل فیلم‌ها و همچنین مخاطبان سینماها به گونه‌ای شده بود که خانواده‌ها چندان رغبتی برای سینما رفتن نشان نمی‌دادند و به دلیل عدم استقبال از بعضی از سینماها تعدادی از آنها رو به تعطیلی و تغییر کاربری رفتند از جمله سینماهای دنیا، مونت کارلو، امپریال، اسکار، جهان، فردوسی. در این دهه کمتر از ۱۰ سالن سینما دایر شد. در عین حال تأسیس جشنواره فیلم تهران آغازی بر حضور سینمای ایران در حد جهانی بود. اما در این دوره سینماهایی با فضای روشنفکری نیز سربرآورد که مهمترین آنها سینما تئاتر کوچک بود. در این جا جز نمایش فیلم به زبان اصلی، به بحث و بررسی پیرامون اثر پرداخته می‌شد و این روال تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی هم ادامه داشت. سینماهای عصر جدید و کاپری و پلازا که به نوعی پاتوق فرهنگی شده بودند و بلیط‌های آن حتی در محیط‌های دانشجویی هم به فروش می‌رسید. سینما کسری هم از سال‌های قبل چنین وضعی داشت، مثلاً با تابلویی جلوی در ورودی خود را داشت و پاتوق دانشجویان بود و بلیط‌های آن در دانشکده‌ها به فروش می‌رسید. سینما کسری هم از سال‌های قبل چنین وضعی داشت، مثلاً با تابلویی جلوی در ورودی اطلاع می‌داد که چون این فیلم تجاری و مردم پسند نیست اگر علاقه مند این نوع سینما نیستید از دیدن آن خودداری کنید. فیلم‌های سینما کاپری مورد توجه ما بود و در آنجا زیر نور اندک سینما صحنه‌ها و دیالوگ‌های جالب را یادداشت می‌کردیم و بعدها درباره‌اش به گفت‌وگو می‌نشستیم.

با وقوع انقلاب اسلامی ساخت سینما در تهران متوقف شد. در آن سال‌ها بخشی از سینماها مصادره شدند و سالن‌هایی هم که دایر بودند به دلیل آنکه چندان فیلمی برای پخش نداشتند از رونق افتادند. با این حال بعضی از سینماها فیلم‌های قبل از انقلاب را ممیزی کرده و پخش می‌کردند. در دهه ۱۳۶۰ همچنین ورود ویدئو به خانه‌ها تمایل به سینما رفتن را باز هم کاهش داد.

دهه ۱۳۷۰ نیز همچنان سینماسازی متوقف بود اما شهرداری تهران با ساخت فرهنگسراهایی همچون اندیشه، خاوران، بهاران، بهمن، خانواده و بعدها اشراق با امکان نمایش فیلم در آنجا به برپا ماندن سینما کمک کرد. هر چند این اقدام باعث رونق جدی سینما نشد و بعد از چندی با تغییر سیاست‌ها و رویکردهای مدیریت شهرداری این سالن‌ها تبدیل به سالن‌های آمفی‌تئاتر، مراکز سخنرانی‌ها و همایش‌ها شدند. در دهه ۱۳۸۰ و در برنامه توسعه سوم با پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری‌ها موظف شدند به ساخت سینماها کمک کنند. بر اساس برنامه و مجوز دولت شهرداری‌ها در ازای ساخت سالن‌های سینما به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دادند تا به همان میزان فضای تجاری احداث کنند. آغاز این اقدام‌ها ساخت سینما آزادی در چند طبقه و چند سالن بود که در کنار آن بازارچه و رونق تجاری وجود داشت. در این دوره شهرداری تهران خود اقدام به ساخت پردیس‌های سینمایی کرد همچون پردیس‌های سینمایی تماش (محله یافت آباد)، رازی (میدان گمرک)، ملت (جنب پارک ملت)، زندگی (جنت آباد)، راگا (شهرری) و در ادامه آن پردیس سینمایی باغ کتاب (جنب کتابخانه ملی) هم ساخته شد.